



دکتر مجید غیاث

## ارتباط دانشگاه و صنعت، چالشی حل نشدنی؟

از سی سال پیش که با عشق و امید فراوان به آینده در رشته مهندسی پتروشیمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) شروع به تحصیل کردم، همواره این نکته را از دانشگاهیان و صاحبان صنعت می شنیدم که بین دانشگاه و صنعت فاصله بسیار زیادی است و دانشگاه و صنعت یکدیگر را قبول ندارند. صنعت، فارغ التحصیلان تازه وارد را به راحتی نمی پذیرد و آموزش های مخصوص به خود را در نظر دارد و معتقد است که دانشگاهیان از واقعیت صنعت خبر ندارند. دانشگاهیان نیز می گویند که صنعت به نتایج پژوهش ها و دستاوردهای آنها اعتماد ندارد و ارزش پژوهش را جدی نمی گیرد. نه دانشگاهیان توانسته اند به درون صنعت نفوذ اثرگذار داشته باشند و نه صنعت رغبت چندانی به سپردن سرنوشت خود به دست دانشگاهیان داشته است. حرکت های کوچک، مقطعی، سفارشی و موردی هر چند مفید و شاید هم بی تاثیر نبوده، ولی تداوم و برد موثری نداشته است. حتی اجبار به اختصاص بودجه های پژوهشی در سازمان ها نیز چندان موثر واقع نشده است.

تاکید نگارنده بر فاصله بین صنعت و دانشگاه با تمرکز بر حوزه انواع رشته های دانشگاهی مرتبط با شیمی و صنایع شیمیایی و پلیمری است. از مشخصات اصلی صنایع مرتبط با حوزه مزبور این است که بیشتر این صنایع مربوط به بخش دولتی است. آنها دارای ظرفیت تولید زیاد برای توجیه اقتصادی بوده و هزینه هنگفتی را صرف تهیه مواد اولیه می کنند. اغلب این صنایع وارداتی بوده و از لیسانس خارجی استفاده می کنند، تمایل چندانی به انجام کوچکترین تغییر در روال کاری و دستورات عملی های خود ندارند، اما شاید محدودیت های قرارداد داشته باشند. شاید بتوان واحدهای خصوصی پایین دستی با ظرفیت نسبتا کم را تا حدی از این قاعده مستثنا کرد. این گونه واحدها جدید بوده و توسط فارغ التحصیلان و نیروهای جوان راه اندازی شده اند و شاید تا مدتی ارتباط خود را با دانشگاه حفظ کنند.

دهها دلیل برای عدم ارتباط بین صنعت و مراکز علمی می توان بیان کرد و حتما در این مدت دهها راهکار نیز برای هر چه بیشتر نزدیک کردن این دو و کم کردن این فاصله ارائه شده است. ولی باید اذعان داشت، هنوز فاصله زیادی بین آنها وجود دارد و صنعت و دانشگاه هنوز زبان یکدیگر را نفهمیده و از درک یکدیگر عاجزند. شاید در اینجا عبارت صنعت مریخی - دانشگاه ونوسی مصداق یابد که اشاره به دو سیاره همسایه زمین یعنی مریخ یا بهرام و ونوس یا زهره (ناهید) دارد و کنایه از این است که ساکنان فرضی این دو سیاره زبان یکدیگر را نمی دانند و قادر به تکلم و محاوره با همدیگر نیستند. بنابراین، هر کدام نمی دانند دیگری از او چه می خواهد. به راستی مشکل از کجاست و راه حل چیست؟ آیا می توان برای این مسئله یا به عبارت دیگر معضل کلان کشور راهکاری ارائه داد؟ چگونه است که در کشورهای پیشرفته و حتی کشورهای در حال توسعه خاورمیانه ارتباط بین مراکز علمی اعم از دانشگاه ها و موسسات پژوهشی با صنعت چنان درهم تنیده و آمیخته است که هیچ پژوهشی بدون حمایت صنعت امکان پذیر نیست و هیچ صنعتی نیز مستقل از دانشگاه ها نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. آیا در این کشورها مریخیان و ونوسیان هر دو به کره زمین فرود آمده و زبان مشترک یکدیگر را یافته اند.

اصولا آیا ارتباطی بین صنعت و دانشگاه لازم است؟ و اینکه کدام یک بدون دیگری می تواند به حیات خود ادامه دهد. اگر این بحث را صرفا روی مراکز پژوهشی با مأموریت تقویت و ارتقای فناوری و صنعت متمرکز کنیم، اصولا مراکز پژوهشی چه نیازی به ارتباط با صنایع دارند؟

جواب این سوال، نکته کلیدی در فهم و شاید تعیین راهکار برای ارتباط این دو است. از آنجا که مراکز پژوهشی در کشور ما اغلب دولتی بوده و به شدت وابسته به بودجه دولتی هستند، صرفا پاسخگوی نهادهای دولتی بوده و در خوش بینانه ترین حالت باعث ارتقای شاخص های علمی کشور هستند. بیشتر صنایع بزرگ مرتبط با شیمی نیز از آنجا که دولتی بوده نیاز به تغییر یا بهبود وضعیت خود حس نمی کنند. در واقع، تنها نکته اشتراک دانشگاه ها و مراکز علمی با این گونه صنایع، وابستگی به بودجه دولتی بوده که خود از قضا مهم ترین عامل دورافتادگی این دو از یکدیگر است.

در کنار سیاست هایی مانند ایجاد شهرک های رشد و تاسیس شرکت های دانش بنیان و سایر سیاست های مقطعی، کاهش تصدی گری دولت بر بخش های صنعتی و خصوصی سازی (و نه اختصاصی سازی) با رعایت اصول و استانداردهای علمی و واگذاری صنایع به سرمایه گذارانی که دغدغه رشد و اعتلای کشور را نیز دارند، از مهم ترین راهکارهاست. در شرایط سیاسی فعلی که کشور دوران تحریم شدید را تحمل می کند، اقتصاد جهانی روند عدم نیازمندی به نفت ایران را هر روز بیش از پیش تجربه می کند. بدین معنی که در آینده نه چندان دور هم صنایع بزرگ دولتی و هم مراکز پژوهشی از کاهش بودجه های دولتی آسیب دیده و در حالت عدم برنامه ریزی برای آن با مشکل بودجه و حتی خطر بقا روبه رو خواهند شد.

پس از گذشت سه دهه از عمر علمی نگارنده و خدا می داند چند دهه دیگر، هنوز صنعت و دانشگاه های ما نتوانسته اند راه، زبان و مسیر مشترک خود را پیدا کنند. زبان و مسیری که کشورهای پیشرفته شاید بیش از پنج دهه پیش آن را یافته و به سرعت در آن در حال حرکت اند. برای رهسپاری به سوی دانش و فناوری و کسب ثروت برای کشور و ارتقای وضعیت علمی و صنعتی کشور باید هر چه سریع تر راهکار مناسبی برای این ارتباط و تقویت هر چه بیشتر آن یافت.